



۱۴/۱۲/۲۰۱۳

شیمیا غفوری

آب بازی زنان در شهرماربورگ پانزده ساله شد

یک قدم به پیش و یا یک گام به عقب؟

درسهای از دیموکراسی

در سالهای قبل از ۱۹۹۸ م. متوجه شدم که زنان افغان وسایر خارجی ها در شهرماربورگ آلمان به تکالیف صحی متعددی بخصوص درد عضلات، مفاصل و استخوان مبتلا میباشند. در حالیکه دکتوران برای شان آب بازی را سفارش میکردند، ولی چون اکثریت خانم های ممالکی چون افغانستان در حوض های مشترک مردانه و زنانه نمیخواهند شنا نمایند، لهذا مشکلات صحی شان روز به روز بیشتر میگردد. علاوه آب بازی نه تنها یک سپورت جسمی میباشد، بلکه بحیث تقلیل دهنده سترس و ناراحتی های روانی نیز رول مثبتی را بازی مینماید. بنابراین تصمیم گرفتم که در این رابطه باید کاری را انجام بدهم. با همین تصمیم در اواخر سال ۱۹۹۷ به اداره امور زنان شهر ماربورگ رفتم و با رئیسه آن اداره موضوع را طرح نمودم. این دقیقاً همان وقتی بود که در افغانستان زن ستیزی طالبان به اوجش رسیده بود و زنان افغان از کار های مسلکی شان اخراج شده و خانه نشین گردیده بودند. میتوان حدس زد که چه جوابی را از اداره زنان باید انتظار داشت. زمانی که اظهاراتم تمام شد، رئیسه اداره در حالیکه از فعالیت های اجتماعی ام آگاهی داشت با نگاه های تعجب آمیز به طرفم نگاه کرده و میخواست چیزی بگوید ولی جلو سخنش را گرفته و براریم وعده داد تا در آینده نزدیک برایم جواب خواهد داد.

چند روز بعد از طریق تیلیفون برایم جواب منفی بدون ذکر دلیل معینی داده شد. ولی بصورت غیر رسمی درحلقات زنان شنیدم که به نظریات طالبانی در ماربورگ اجازه داده نمیشود.

برای من این مهم بود که دلیل رد آنرا بدانم. وقتی از این طرز دیدش در مورد تقاضایم اطلاع یافتم باز هم راساً نزد رئیسه امور زنان رفته و دلایل متعددی را در مورد اینکه این یک عمل عقب گرایانه نه، بلکه برای بسیاری از زنان یک قدم به جلو میباشد، پیشکش نمودم. و این موضوع را برایش تفهیم نمودم که آب بازی زنان مانعی در راه رفتن سایر زنان به حوض های مشترک نخواهد بود و تذکر دادم که در صورت موجودیت آب بازی زنان آنده از خانم ها و دخترانی که در شنای مشترک نمیخواهند و یا نمیتوانند سهم بگیرند، نیز چانس آب بازی را حاصل مینمایند. وی با استماع دقیق استدلالم موضوع را پذیرفت و اما برایم واضح کرد که تعمیم این هدف کار ساده نخواهد بود و در این ارتباط باید بنا براروال عمومی تصمیم بگیرد. بعد از آن هر دوسعی مشترک را در این راستا به خرچ دادیم ولی وظیفه قناعت دادن بنا برارول به دوش من گذاشته شد.

چندی بعد بنا براروال عمومی ماربورگ مطابق پلان سالانه در مورد حوضهای شهر ماربورگ با مردم صحبتی داشت و خواستار نظریات آنها در مورد وضع موجود، انتقادات و پیشنهادات شان در باره تأسیسات و پروگرام های شنا و انکشاف این بخش گردیده بود. به مشوره رئیسه امور زنان تصمیم گرفتم تا من هم در این جلسه در مورد اجازه آب بازی جداگانه زنان، با زبان آلمانی چهارو نیم ساله ام، به بنا براروال عمومی پیشنهادی را ارائه نمایم. ولی قبل از آن ده تن از خانم هایی را که با نظرم موافق و آماده اقدام عملی در زمینه بودند، شناسایی نموده و با آنها یکجا ده دقیقه بعد از شروع مجلس داخل تالارگردیدیم. هدف ما از دیر آمدن در جلسه این بود، تا بنا براروال عمومی را متوجه بسازیم که خارجی های که هم چادر پوش بودند و هم بدون چادر و خانم هایی از قاره های مختلف به موضوع حوضها علاقمندی دارند و در این مجلس سهم گرفته اند. سالون کاملاً پر بود. بالاخره برای من هم وقت داده شد تا سؤال خود را مطرح نمایم. موجودیت زنان ممالک و کلتور های مختلف به دلایل من در مورد آب بازی زنان به خصوص اینکه ضرورت شنای جداگانه زنان تنها بر مبنای اساسات دینی نه، بلکه به علت سایر وابستگی های کلتوری نیز ضروری میباشد، رنگ واقعیت را بخشید. بنا براروال عمومی به گفته خودش از این شیوه برخوردار ما با مسئله خیلی خرسند گردید و فوراً به رئیسه اداره حوضها دستور داد تا در آینده نزدیک با هیاتی از زنان ما نشست و موضوع را جنبه عملی ببخشد. بالاخره در خزان سال ۱۹۹۸ برای اولین بار آب بازی زنان برگزار گردید. در روز

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پاڼوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اول بیشتر از ۱۳۰ زن و دختر برای آب بازی حاضر بودند. به تعقیب آن کورس های آموختن شنا برای خانمها نیز دایر گردید که دامنه آن تا حال برای نو وارد ها ادامه دارد.

با اجرای برنامه شنا برای خانمها باید به مصاحبه ای در روزنامه شهر ماربورگ به حیث مبتکر این موضوع حاضر میشدم. این کار نسبت به هر اقدام دیگر برایم مشکل تر بود، زیرا بعضی از افغانها بدون دلیل موجه مخالف هر نوع نوآوری در زندگی روزمره خویش بودند و تشویش داشتم که با نشر این مطلب همه خواهند دانست که "گناه" این کار را من بر دوش دارم. از جانب دیگر تعدادی از افغانها، ایرانی ها و شاید هم از ممالک دیگر این کارم را عقب گرایی ارزیابی نموده و به تمسخر می پرداختند. که این هم در آن زمان جهت دیگر پرابلم بود.

به هر صورت حالا شنای زنان در محیط زنانه و مطمئن یکی از جهات مثبت زندگی زنان ما را تشکیل میدهد. حتی آنهایی که این ابتکار را مخالف سنن افغانی میدانستند و کاملاً با این کار مخالف بودند، حالا با علاقه مندی به آب بازی می روند و آب بازی برای زنان جزء مهم پروگرام زندگی شان می باشد. به مرور زمان این ابتکار در شهر های نزدیک ماربورگ نیز مورد تطبیق قرار گرفته است.

درسهایی را که در این پروسه آموختم، من آنرا درسهای دیموکراسی می نامم و برایم مایه و عبرت خوبی در راه اندازی ابتکارات بعدی گردید، میتوان چنین خلاصه نمود:

- در دیموکراسی نه تنها خواسته های بزرگ، بلکه تقاضا های کوچک افراد نیز در خور اهمیت و غور می باشد. ولو یک نیاز در نظر اول بی اهمیت هم جلوه نماید، ولی اگر ضرورت باشد، به خاطر تعمیم آن باید کار صورت بگیرد و اگر مستدل و معقول باشد، بالاخره عملی خواهد گردید.
- یکی از جهات عملی دیموکراسی، سهیم شدن در پروسه حیات اجتماعی مطابق امکانات هر فرد و هر گروه میباشد. در جامعه دیموکراتیک خواست های گروه های بزرگ و کوچک، قابل احترام میباشد، به شرطیکه نظم عمومی جامعه را برهم نزنند و حقوق سایر افراد جامعه با تطبیق آن مورد تهدید قرار نگیرد.
- خارجی ها نباید در پروسه انترکراسیون در جامعه جدید از آورده ها و داشته های شان خجالت بکشند. آنچه را که در جامعه جدید برای شان مفید و قابل هضم میدانند، باید کسب نموده و خود را با آن مطابقت بدهند. ولی از ارزش هایی که در پشتاره شان حایز اهمیت خاص است و نمیتوانند آنرا به دور بیفکنند، باید آگاهانه و آشکارا محافظت نمایند و محیط زیست را برای خویش گوارا بسازند. زیرا مطابقت در جامعه جدید به معنی منحل شدن کلتور خودی نمی باشد.
- یک فرد ولو در اول از جانب وطنداران خودش تحت سؤال واقع شده و تبصره های ناخوش آیندی را از آنها بشنود. ولی اگر خود به درستی عملش متیقن باشد، باید با جرئت برای رسیدن به هدفش به پیش برود ولو این کارش مخالف جریانات معمول باشد. در نتیجه، زمانی که در کارش موفق شد، همان وطندارانش هم به وی خواهند پیوست. زیرا اکثراً تبصره های ناخوش از روی نیت بد نه، بلکه از درک غلط منشأ میگیرند. لهدا در این نوع موارد حوصله، پشتکار، بحث و مفاهمه ضروری میباشد.
- در دیموکراسی رول فرد در زیر سایه جمع تضعیف نمیگردد. هر فرد میتواند به نظریاتش جنبه عملی بدهد. البته در جامعه افزار های دیموکراتیک موجود اند که با استفاده از آنها میتوان به هدف رسید.
- و بالاخره اینکه دیموکراسی صرفاً یک کلمه نیست، که آنرا نوشت و یا هجا نمود. بلکه یک مفهوم است متشکل از اجزای متعدد، یک شیوه برخورد با زیستن است برخاسته از ضرورت های زندگی، یک طرز تفکر است مبنی بر احترام به دیگران و به شخص خود. که همه اینها خارج از زندگی معنای ندارند، بلکه باید جزء زندگی گردد. در این جریان باید متوجه بود که با افراط و تفریط در جوامع دیموکراتیک، جریان متعادل زندگی میتواند برهم بخورد. و این دیگر مربوط خواست و مهارت هر فرد است که آیا زندگی با شیوه متعادل و یا نا متوازن را انتخاب مینماید.